

بر آن هر وصلی الله علیه و آله وسلم در قعدة اخیره در آن بعد از تشهد پنجم دعا کردن بخود را و
 جمع مینویسند بدعای مشابه قرآن یا حدیث بعد از ورود ششم ^{اگر} سینه خواندن
 تشهد و ورود و دعا در آن **و سجات** در قعدة نخست اول نهادن هر دو
 کف دست بر رانها و دوم گسترانیدن انگشتان تا برسند زیر نو سوم روی آوردن انگشتان
 دستها و پایها بجانب قبله چنانکه تواند چهارم کشاید و پنجم دست بر دعا و پنجم
 انگشتین بجانب کنار ششم پوشیدن هر دو پای بدین نزدیک بعضی مضمون مستطیر بودن
 سبوتا فارغ شدن امام که زانی امین باید دست که انتظار سبوتا فارغ شدن
 امام در فتح القدر و بحر الریق و جب گفته اند تا آنکه نماز بجز بر ساجتن بغیر ضرورت چنانکه گشت
 مکروه تحریمت و طاهر نیست زیرا که متابعت امام تا خروج بصلی واجب گفته اند
 پس اعتماد بر فتح القدر و بحر الریق باید کرد نه بشکل عمود و تیسیر الاحکام و الله اعلم
 و توجه کردن انگشتان هر دو پای در قعدة خالی از اشکال نیست و لهذا چنانکه تواند
 کند اگر چه در بر خدی گفته که سبوتا در از عبارت مختصر و قایه نیست که متوجه اصابع
 هر دو پای کند و توجه چپ کلفت حاصل میشود و در خلاصه و خزانه المفیدین اصابع یعنی
 و قعدت انتهی و مکرویات در قعدة دة اول نشستن بر پاشنهها و دوم چپ
 سگ نشستن یعنی بر سینه مرغ نشستن اما این هر بعد از چهارم کشیدن پیش از

باب في كيفية صلاة العشاء

از تشهد یا در و یا او عیدیم گرفتن هر روز از اول دست ششم ز یا گفتن در نماز
 مروی است که در آن خاک از پیشانی قبل از سلام ششم خوی از پیشانی پیش از سلام ششم
 نهم بلند خواندن تشهد یا در و یا او عیدیم و هم آون بسجق برای قضای بسجق پیش از سلام
 اما بعد از آن که ای العین در کفایت المومنین از مکروهات تعدیه نشستن بر هر دو پای سجده
 گستر اندین هر دو پای یکجا بکشیدن و سومی کنار آمدن و لو سبب یا خواندن که بر
 مقدیان گران آید و در وقت سلام ناویده و کشاوه کردن از سعاد و
 را در وقتیکه بران می بنند و سر نهایت کون کردن نیز شمرده است و از مکروهات تشهد
 و عیون و کیدانی اشاره کردیم باگشت شهادت گفته استنی سینه لغتی مکره الاثنا
 بالمسبحه خلاصه و ضمیر گفته الخار انه لا یشیر فی الاول الجیه و الحسن و
 علیه الفتوی ان مبنی الصلوة علی السکون و شرح الوقایه عن
 الشافعی انه یشیر قال و لهدا جاء عن علی بن ابی طالب و الذخیر
 انه یشیر بالسبابة عند الشهادة و قد راجع الجار بالسبابة و علیه
 الفتوی فی فتح القدر بعد نقل عن محمد و کفیه الاشارة
 فی بعض خصرة و التي تليها و نحو الوسطی و لا یهام و
 رقم المسیح و کذا عن ابو یوسف فی الامالی قال الشیخ

در وقتیکه بران می بنند و سر نهایت کون کردن نیز شمرده است و از مکروهات تشهد
 و عیون و کیدانی اشاره کردیم باگشت شهادت گفته استنی سینه لغتی مکره الاثنا
 بالمسبحه خلاصه و ضمیر گفته الخار انه لا یشیر فی الاول الجیه و الحسن و
 علیه الفتوی ان مبنی الصلوة علی السکون و شرح الوقایه عن
 الشافعی انه یشیر قال و لهدا جاء عن علی بن ابی طالب و الذخیر
 انه یشیر بالسبابة عند الشهادة و قد راجع الجار بالسبابة و علیه
 الفتوی فی فتح القدر بعد نقل عن محمد و کفیه الاشارة
 فی بعض خصرة و التي تليها و نحو الوسطی و لا یهام و
 رقم المسیح و کذا عن ابو یوسف فی الامالی قال الشیخ

در وقتیکه بران می بنند و سر نهایت کون کردن نیز شمرده است و از مکروهات تشهد
 و عیون و کیدانی اشاره کردیم باگشت شهادت گفته استنی سینه لغتی مکره الاثنا
 بالمسبحه خلاصه و ضمیر گفته الخار انه لا یشیر فی الاول الجیه و الحسن و
 علیه الفتوی ان مبنی الصلوة علی السکون و شرح الوقایه عن
 الشافعی انه یشیر قال و لهدا جاء عن علی بن ابی طالب و الذخیر
 انه یشیر بالسبابة عند الشهادة و قد راجع الجار بالسبابة و علیه
 الفتوی فی فتح القدر بعد نقل عن محمد و کفیه الاشارة
 فی بعض خصرة و التي تليها و نحو الوسطی و لا یهام و
 رقم المسیح و کذا عن ابو یوسف فی الامالی قال الشیخ

راجعاً به کفتن امام سلام اول ^{در وقت کفتن} پنجم کفتن سلام دوم
 و مکروهات در وقت نخست اول کفایت کردن بر یک سلام دوم
 پنهان کفتن امام هر دو سلام سوم ^{بمن کفتن سلام دوم از اول چهارم نیاید}
 کردن بر لفظ السلام علیکم ورحمة اللہ پنجم بر آمدن از نماز بر وجه سنت چنانکه
 عهد باشد سخن بود مطلقاً یا فعلی و مکرر هر چه باشد غیر از سلام مکروه است تخریماً که
 موجب ترک سلام که واجب میشود و چون از میان مکروهات که در مکان مخصوصه
 خارجیم مکروهات خارج مذکور نایم که خصوصیت برکنی و وقتی ندارد فصل جاری که
 اول نماز مکروه است پانزده اول زمین مخصوصه و دوم مصلاهی مخصوصه سوم بالای
 سقف که ^{مستطوره} اگر مستطوره هم مشرب باشد چهارم رگنذر ^{مستطوره} خامق یعنی جای که
 غوغای مردم باشد پنجم در صحای بی ستره اگر ملاحظه که شستن کسی باشد
 ششم جایی غسل کردن پنجم گرم یا یعنی حمام و در سحر رائق میگوید اگر در حمام جایی
 پاک باشد و صورت مقابل نباشد پاک نیست ششم جایی فرج کردن پوشی نهم
 نهم یعنی جای که خس و خاشاک جار و بیاج جمع میکنند و هم جایی نشاندن شستن
 یازدهم یا سجاهاه سپان و دوازدهم گورستان مگر جای که برای نماز ساخته باشد و قبری
 مقابل نباشد ذکره فی البحر الرائق سیزدهم در تجان چهاردهم در خار خانه پانزدهم
 اگر چه پیش از آن باشد

یعنی نقطه بر کفایت از وقت اول سلام
 از وقت اول کفتن و پیش از آن
 بر وقت اول کفتن و پیش از آن
 از وقت اول کفتن و پیش از آن
 از وقت اول کفتن و پیش از آن

است و در وقت اول کفتن
 است و در وقت اول کفتن
 است و در وقت اول کفتن
 است و در وقت اول کفتن
 است و در وقت اول کفتن

در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر کس در نماز خود بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند...

و بروایتی بی فایده است جماعتی ندانند که بیک جانب کند که مقابله حقیقی
ممنوعست و سوره امام کفایت میکند در وقتیکه سوره نباشد اگر شش یا هفت باشد که
حاجت خط کشیدن نیست و نزد بعضی مسنون است و بروایتی خط عرضا مانند بلال کند
و بروایتی طولاً امام نووی این را مختار گفته و شیخ طبرسی با هم خصم نسبت خط کرده است
که در حدیث ابی داؤد و ابن ماجه و ترمذی و نسائی و بیہقی و سنن ابی یوسف و مختار
شیخ ابن ماجه و الموفق فصل کرده است جامعاً در کفایت ابو یوسف میگوید که آن نسبت
چیز است اول جامع یعنی سبب دوم جامع یعنی منصرف سوم جامع یعنی چهارم
جامع قرین یعنی نماز وین هر دو مکروه است تا آنکه پوشیدن حرمت پنجم جامع باریک
بدن نماید و رای محل عورت و زنان را در مثل این جامع ششم جامع مخصوص بیستم
جامع چو در آن بیستم جامع ترسیان پنجم جامع کافران و سیم با بوی نبد باریک پنجم جامع
کهنه با وجود نو و از و سیم جامع کینه با وجود عین سیم سربینه چهارم سگ با وجود
پانزدهم سیم پیرن تنها با وجود از شام و سیم بازار تنها با وجود پیرن سیم جامع سگ
پنجم بازرگ نو و سیم با سگ محل بیستم جامع سندی با وجود جامع پاری است و سیم
با چا و که بر کف بود و طرف اولقان با دفع القدر میگوید داخل نیست که پر چه
بر کف می اندازند و قبای سستین می پوشند لیکن در بجز این میگوید مختلف التاخرن

در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر کس در نماز خود بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند...

در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر کس در نماز خود بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند...

در حدیثی است که در آنجا آمده است که هر کس در نماز خود بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند یا چیزی را در آنجا بیخوردی کند...

بر قول طحاوی و هر دو کف پای استاده کند و بر پاشنه نشیند نزدیک کرنی هر دو
 کرده است تحریراً صرح به فی البحر الرائق و افزایش در این کوه کرده است چنانکه
 گذشت در بحر الرائق میگوید ظاهر آنست که کرده تحریر است و یکی از مکروهات چهار
 دانو در نماز نشستن است اگر ضرور نباشد و آنچه در حدیث وارد است نماز نفل مرتفع
 کردن محمول بر ضرورت یا بجا جواز است و از مکروهات کف ثوب است یعنی وقت سجده رفتن
 جامه را با ازار را بخوف ماره شدن از دست کردن و در بحر الرائق از کف کت
 بالای پیراهن و مانند آن که بسته شمرده و مکروه گفته است و در خلاصه گفته است
 که کمر بسته نماز کردن مکروه نیست شاید هر دو غیر پیراهن باشد زیرا که اگر است و در
 خصوص پیراهن و رقاوی و داودی و غیره نیست و داخل در کف صاحب مغرب ازار
 بستن بر پیراهن کرده است و استین بالا کردن وقت نماز داخل کف است و گفته فی
 فتح القدر و یکی از مکروهات شمرده آیات و سوره و حیات گفته اند و نزد صاحب
 مکروه نیست در بحر الرائق میگوید محل اختلاف آنست که بدست شمر و یا پیچ اما اگر بر سر
 انگشت شمر و یا بدای او وارده مکروه نیست اتفاقاً اکثر این حکم در فرض و نفل
 عام گفته اند و در حاشیه کتربندی حضرت شیخ طاهر نوشته اند که
 خِلَافٌ فِي التَّطَوُّعِ اِنَّهُ لَا بَكَرَةَ وَالتَّخْلَافُ فِي الْفَرْضِ و از مکروهات

در وقت سجده اگر در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت

در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت
 در وقت سجده و در وقت کس و منبوت

در نماز سجده استجاب و سجده استجاب
در نماز سجده استجاب و سجده استجاب
در نماز سجده استجاب و سجده استجاب

جنانیدن در حدیث وارد است از قدر سابق زیاده توقف نکند بعد از سنت مکرره
او عینیه که بعد از صلوٰة آمده است بخواند و در بحر رائق میگوید و من هذا کل عمل
قلیل بغير عذر فهو مکروه انتهی و قتل صبی و عقرت نماز مکروه نیست
اگر عمل قلیل باشد و اگر حاجت کثیر شود و نماز از سر گیرد و این فعل کثیر نیز سباح گفته
وقتی که پیش بگذرند و خوف پیدا باشد و الا مکروه است زکرة فی النهایة مسکونه
بحر رائق میگوید اگر ترک واجب کرده نماز قطعاً مکروه تحریمی میشود و اگر ترک سنت
مکروه قوی کرده بعید نیست که مکروه تحریمی شود که او مانند ترک واجب است و اگر غیر مکروه
ست مکروه تنزیهیت اما ترک مستحب است که نیست بلکه خلاف اولی است پس
نیست که کلیه در باب مکروه است که ترک واجب کرده تحریمت ترک است
مکروه تنزیهیت بر قول اکثر و از غیر انکار و بحر رائق در بعضی موضع معلوم میشود که
ترک مستحب نیز مکروه است تنزیهاً و از کفایة المؤمنین و عیون در شمردن مکروهات
نیز معنی متفاوت است لیکن همه مستحبات را در ترک مذکور نکرده اند شاید
الکتاب را هم کرده باشند و الله اعلم و قسماً یکله از جمیع مکروهات خاصه
عامه نماز خالص باشد در حساب شود و اگر مکروه تحریمی واقع گردد واجب
اعاده آن و اگر تنزیهی باشد مستحب است اعاده آن كما ذکره لشیخ ابن جام فی فتح القدر

در نماز سجده استجاب و سجده استجاب
در نماز سجده استجاب و سجده استجاب
در نماز سجده استجاب و سجده استجاب

در نماز سجده استجاب و سجده استجاب
در نماز سجده استجاب و سجده استجاب
در نماز سجده استجاب و سجده استجاب

بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه
بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه

بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه
بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه

والله الموفق فصل چون از بیان مکروبات فارغ شدیم طریقه نماز مسنون
متابعه بجمیع الفقهاء العظام مذکور نمایم و در ضمن آن آنچه از مسنونات مستحبات
باقیست از کتب معتبره استنباط نموده بیان نمایم تا هر که باین عمل کند بر قول ائمه و صحابه
علیه السلام صلوات الله علیهم اجمعین و عامل باشد انشاء الله تعالی منقول
و بالله التوفیق هر گاه خواهد که نماز شروع کند بعد از اعضاء پنج تن فرضی که در کتب
مذاهب بگوید مصلی مختارترین که اولی رفع نماید یا از شروع تکبیر تا نماستان برفع و
وضع هر دو عمل آید و بر هر دو تقدیر گشتها بوضع اصلی در هر دو مستقبل قبله وارو
و مثل سبب کشتی فرود آورده کف باطن دست راست در ظاهر کف چپ پائین نان
ببندد و چپتی که با باهام و خضر نبی دست چپ بگیرد و گشتها در پشت ساعد در
از جهات اصلی وارو و شام متصل آن خوانده و در استعاذه گفته تسمیه گوید و فاتحه یا سور
یا سوره قرأت کند چون امام و الا الضالین بخواند آمین آیه سوره بگوید مثل امام و
قرأت امام منفرد و قیام تمام نماید و بر مقدمه نیست اصلا و باید که دستها قیام بقدر
چهار انگشت فرجه با و بار برد و پا برابر بندد و نظر از پاتا بر محل سجده وارو و تمام اعضا
از حرکت محفوظ کند گوشتش قبله کشش بجوار رحمت صحیح است بعد از
فراغ از قرأت الله اکبر گویند که شروع کند چنانکه از الف انجنا شروع نماید

بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه
بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه

بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه
بنا بر اینست که در این کتاب...
مصلح اهلوه

بیت باشد تا اول وقت
تا آخر وقت تا آخر وقت

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز

فقط بخواند و سکوت تسبیح بجز آنست و سوره مباح است لیکن افضل کتابخانه است
 در وقت نماز است بعد از دو رکعت اخیر قعود مثل سابق کند تشهد خوانده در دو رکعت اول و غیره
 بخواند بعد سلام بنیت بگویند بسلام که در چنانکه نظر بر تنگبین در سلام است
 نمایان صفت و ذکر در دو وقتدی بهر جانب که نام باشد نیت کند و اگر عقب نام باشد
 بهر دو جانب ملاحظه کند اکثر از نیت سلام غافلند چنانکه در جبرائی نیز گفته است
 سلام در نماز که سنت مکرره است توقف اندک کند تا آنکه در فتح القدر مقتضای
 اللهم انت السلام ومنك السلام واليك يعود السلام کرده

لیکن در احادیث استغفار و داعیه دیگر وقت چنانکه کات در فتح الاورد آورده
 و اگر عصر و صبح باشد مستقبل قبله یا مقابل قوم اگر بسیار زود باشد و عاکنده
 قبولت این قنیت که تا وصف آخر صلی مقابل باشد و کلمه طیبیت در حق جانب
 نه مکرره چنانکه در بعضی روایا آورده که آن مرجع و غیر مقبول است لهذا مقال فی انصراف
 بقول بعد الصلاة المكتوبة بصوت رفیع لا اله الا الله محمد رسول الله
 چون مقابل قوم شود باید که طرف چپ خود منحرف بنشیند و در بسوی مردم طرف راست
 بکشد بعین بر جاسته سنت در غیر محل فرض کند و افضل همین قنیت است که بسیاری
 باشد ذکره فی فتاوی النخانیة و در عارف بدین منگبین نماید و باطن کفین بسوی روایا

در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز

سوره اطلاق
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز

در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز
در وقت نماز

وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الْخَرَابِيعُ بِمَعْنَى نَحْوِ ذَلِكَ مُنْزَعٌ مِنْهُ وَنُسْتَى مُرْتَابٌ مِنْ جَمِيعِ
 تَعَانُصِ الْمَكَانِي وَرِجَالِي كَمَا تَصِفُ جَمِيعَ أَوْصِيَا كَمَا لِقَاعِ مَيْكِيمِ كَثِيرِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ كَمَا هِيَ
 خُبْرٌ سَمٌّ تُوَكَّدُ دَلَالَتُ بَرَوَاتٍ مَقْدَرَةٌ وَصِفَاتٍ عَالِيَةٍ وَأَفْعَالٍ كَمَا لَمْ يَكُنْ دَلِيلٌ لَهَا
 عَطَتْ تُوَكَّدُ فِي رِجَالِهَا نِيَّةٌ بِسَبْحِ جَمْعٍ مَوْجُودٍ مَوْجُودٍ وَوَجُودٍ غَيْرِ تُوَكَّدُ سَوْرَةٌ فَاتِحَةٌ
 بِمَلَاظِمِ عَطَتْ وَثَابِتِهَا أَنْذَكَ وَرَحْمَتِهَا صَحِيحٌ وَارِدٌ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الْقِسْمَةِ صَلَّى اللَّهُ
 وَبَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نَصِيفِينَ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ لِحَدِّهِ الْعَلِيِّ
 قَالَ حَمْدِي عَبْدِي وَإِذَا قَالَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ قَالَ لَيْتَ عَلِيَّ
 عَبْدِي وَإِذَا قَالَ مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ قَالَ حَمْدِي عَبْدِي وَإِذَا قَالَ
 أَيُّكَ نَعْبُدُ أَيُّكَ نَسْتَعِينُ قَالَ هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي فَإِذَا
 قَالَ هَذَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ قَالَ اللَّهُ هَذَا عَبْدِي وَالْعَبْدِي
 مَا سَأَلَ رِوَاةً مُسَلِّمٌ بِسَبْحِهَا بِمَعْنَى نَحْوِ ذَلِكَ شَائِبَةٌ خَطَابًا إِلَى كَرِوَرٍ
 عَوَارِفًا لِعَارِيفِهَا قَالَ الشَّيْخُ السَّرَاجُ إِذَا أَخَذَ الْعَبْدُ التَّلَاوُفَ
 شَاهِدًا يَسْمَعُ قَلْبُهُ كَأَنَّهُ يَسْمَعُ مِنَ اللَّهِ أَوْ يَنْصَرُّ عَلَى اللَّهِ أَلَّا يَرَى حُضُورَهُ
 بِدَيْدِهَا وَكَرْمِهَا سَعْنِي فَاتِحَةٌ مَلَا حِزْلَةَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ بِرَبِّهِ جَمِيعِ جَمْعٍ وَتَفَرُّقَهُ تَفَرُّقَهُ وَجَمْعِ تَفَرُّقِهِ

بِسَبْحِهَا بِمَعْنَى نَحْوِ ذَلِكَ شَائِبَةٌ خَطَابًا إِلَى كَرِوَرٍ
 عَوَارِفًا لِعَارِيفِهَا قَالَ الشَّيْخُ السَّرَاجُ إِذَا أَخَذَ الْعَبْدُ التَّلَاوُفَ
 شَاهِدًا يَسْمَعُ قَلْبُهُ كَأَنَّهُ يَسْمَعُ مِنَ اللَّهِ أَوْ يَنْصَرُّ عَلَى اللَّهِ أَلَّا يَرَى حُضُورَهُ
 بِدَيْدِهَا وَكَرْمِهَا سَعْنِي فَاتِحَةٌ مَلَا حِزْلَةَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ بِرَبِّهِ جَمِيعِ جَمْعٍ وَتَفَرُّقَهُ تَفَرُّقَهُ وَجَمْعِ تَفَرُّقِهِ
 ۱۲۲

و تفرقه بجمع ثابت است و تعالی را حامد و محمود فی الحقیقه درین مراتب همانست
 که پروردگار عوالم جمیع معلومات و اعیان ثابت است بنفس اقدس و در مرتبه وحدت
 واحدیت و جمنیت برت عالمه وجودی بنفس جانی و کمال جلای ظهوری بنفس مقدس
 و رحیم است بکمال سخاوت و بایصال مستعدان و حصول بهره شایده و معاینه و تقاوت بقا
 و بقا و البقا و در دنیا و مالک جزاست در روز سنجش آخری هر کس را بجزای لائق سزا میسند
 چون انجا رسید دل حامد محمود را حاضر و بید خطاب کرده میگوید که مخصوص مسکنیم عباد و عبودیت
 تو و درین تخصیص خاصه از تو استعانت میجویم تجلی افعالی و صفاتی بقرب نوافل و
 فرائض و قرب القربیه ناما را یا الله نفسا و قلبا و روحا راه مستقیم که ما را از اذی البصر
 و ما کانی بود و هیچ طرفه از دنیا و آخرت که نباشد بعلم البقین و عن البقین و
 عن البقین از راهی که نموده جماعت اولیایک الذین انعم الله علیهم من
 النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین نه راهی که اهل غضب
 دارند که جز از محبوب حقیقی مطلوبی در اول آرند بلیت از راه راست مادی
 غم او روان شدیم و دنیا و آخرت همین و بسیار ماند و نه راهی که اهل ضلال
 میروند که بکرامات ظاهری از مکررم باطنی غافل میشوند تا به مرتبه از مرتب انعام نمایند
 بطریق عجز بقا البقا طلب استجاب می نمایند که بجز عن بعض لا وراک در آن شعری میروند

نجمی است سلطان
 بنفس خود
 سماوات
 تا ابد الابد
 هر چه در عالم
 علی و اولاد مسلم
 قصد و نجات

۱۲۳

این شکر انعام از
 که خدا بیاکان از
 همی بران و صدیقان
 و سبب رسیدن
 و نجات از آن

شود یعنی در قیام بقائمان و در رکوع بر کمان و در سجود بساطن الی آخر الا و صاف
 حاضرین با و عن ابن عباس الخشوع فی الصلوة ان لا یعر فی الصلوة
 عن علی علیه و شواله و عن سفیان الثوری من کما یجتمعت مسد
 صلاته و قال ابو سعید الخدری ان رکوع احدکم فالدج رکوعه
 ان لا یقی مفصل الا هو منتصب نحو العرش لم یظهر الله حیة
 یكون فی قلبه شیء اعظم من الله فاذا رفع راسه و قال مع الله
 بعد ان یرسم ذلک فیه فضلا و الساجدین من یکاشف ان یطوی
 بسجوده بساط الکن و المکان و یشرح قلبه و فضا و الکشف
 العیان یسجد علی طرف رذک العظم و ذلک عاقص ما ینتهی الی طائر
 لیس فی الشریة و منهم من یرکب فی حجر شهوده که یختلف
 عن السجود شعرا کما قال سید البشر صلی الله علیه و سلم
 فی سجود سجدتک سوادی و خیالی باید که در رکوع سجود که حالت
 انقطاع و تخفازت عظمت و علو و موش نکلند بلکه بدانند که آن عالی مطلق و
 عظیم برحق در مقیدات تسفل و اختیار نموده مع ذلک بحسب الوقوع همان عظیم و عالی است
 که اذکره شیخ الاولیاء فی عن العانی و قال بعضهم للصلوة اربع شعرا

در سجود بساطن الی آخر الا و صاف
 حاضرین با و عن ابن عباس الخشوع فی الصلوة ان لا یعر فی الصلوة
 عن علی علیه و شواله و عن سفیان الثوری من کما یجتمعت مسد
 صلاته و قال ابو سعید الخدری ان رکوع احدکم فالدج رکوعه
 ان لا یقی مفصل الا هو منتصب نحو العرش لم یظهر الله حیة
 یكون فی قلبه شیء اعظم من الله فاذا رفع راسه و قال مع الله
 بعد ان یرسم ذلک فیه فضلا و الساجدین من یکاشف ان یطوی
 بسجوده بساط الکن و المکان و یشرح قلبه و فضا و الکشف
 العیان یسجد علی طرف رذک العظم و ذلک عاقص ما ینتهی الی طائر
 لیس فی الشریة و منهم من یرکب فی حجر شهوده که یختلف
 عن السجود شعرا کما قال سید البشر صلی الله علیه و سلم
 فی سجود سجدتک سوادی و خیالی باید که در رکوع سجود که حالت
 انقطاع و تخفازت عظمت و علو و موش نکلند بلکه بدانند که آن عالی مطلق و
 عظیم برحق در مقیدات تسفل و اختیار نموده مع ذلک بحسب الوقوع همان عظیم و عالی است
 که اذکره شیخ الاولیاء فی عن العانی و قال بعضهم للصلوة اربع شعرا

کذا ذکره شیخ الاولیاء فی عن العانی و قال بعضهم للصلوة اربع شعرا

بعد از آنکه در کتب معتبره از ائمه علیهم السلام نقل شده است
 سلام بر علی بن ابی طالب و بر آل او و بر اهل بیت او
 ازین عالم شده بود چون حاضر شد بر حاضرین سلام گفت بعد از این
 السلام و منیک السلام بموت تمام بخاندان مقدار از اسرار این
 دین رسالت و الله اکافی و امین **فصل** فی الجماعه و ان سنت
 موکده در ظاهر روایه امام نابعی درستی میگوید ظاهر است که هر دو قوم از کمال
 و جوب با از همرا که استدلال میکنند با عادت کبریا که میکنند بر عهد شدید و در
 محیط میگویند که جماعت ترک جماعت نیست مگر بعد از و در قیبه میگویند واجب است تا که جماعت
 را و در این میگویند که سنت موکده گفته مخالف و جوب از جهت آنکه هر دو وین
 خصوص در آنچه باشد از شعار اسلام و فی الجمله الرابع عند المذنب جوب
 و نقل فی البدایع عن عامه مشائخنا انی مسئله جماعت در نماز همچنانکه و
 در عیدین و جوب آن در جمعه و صوم و در تراویح و صلوٰه کف است
 و در رمضان بکروایات و در صلوٰه خسوف که است آن مختلف نیست و خارج مضامین
 و در ترک و مست ترک و بر روایتی مباح است و در استقامت و امامت و نزد
 صاحبیه سنت و در نقل اگر تبدی یعنی باذان و اقامت است مکرر است

۱۲۷

این روایت در کتب معتبره از ائمه علیهم السلام نقل شده است
 سلام بر علی بن ابی طالب و بر آل او و بر اهل بیت او
 ازین عالم شده بود چون حاضر شد بر حاضرین سلام گفت بعد از این
 السلام و منیک السلام بموت تمام بخاندان مقدار از اسرار این
 دین رسالت و الله اکافی و امین
 در جمعه و صوم و در تراویح و صلوٰه کف است
 و در رمضان بکروایات و در صلوٰه خسوف که است آن مختلف نیست
 و خارج مضامین و در ترک و مست ترک و بر روایتی مباح است
 و در استقامت و امامت و نزد صاحبیه سنت و در نقل اگر تبدی
 یعنی باذان و اقامت است مکرر است

این روایت در کتب معتبره از ائمه علیهم السلام نقل شده است
 سلام بر علی بن ابی طالب و بر آل او و بر اهل بیت او
 ازین عالم شده بود چون حاضر شد بر حاضرین سلام گفت بعد از این
 السلام و منیک السلام بموت تمام بخاندان مقدار از اسرار این
 دین رسالت و الله اکافی و امین

اگر کسی مسئله اگر بر اصل زنی بایستد نماز او فاسد است و خواه در کتف یا
 یا پیش او پس بکترین نماز کسی سرود بشرط آنکه زن مشتبهات یعنی قابل عیا یا خواه این خواه
 زوجه خواه محرمه خواه مجزوه و غیره در نماز که رکوع و سجود دارد حقیقه یا حکما بشرط آنکه هر دو
 مشترک باشد و او ای نماز امام و او نیست اماست زن کرده با و در یک مکان با یعنی بقدر
 قامت مختلف نباشند و در میان مقدار یک کز فرق بنا اگر کی ازین امور فوت شود کرد
 و کل ذلک من البحر الرائق و اما اذا لم يرد فقال في فتح القدير و هو
 الكحل بعد الفساد الا من شد ولا تمسك كقول الرواية كما هو
 به ولا في الرواية لتصریحهم بان الفساد في المرأة غير معلوم عرض
 الشهوة كقول هو كقولك ورضية المقام وليس هذا في الصبي انتهى
 مسئله زمان بجماعت حاضر شوند مگر عجز که سباجانی مطلقاً اشتباه شد بشرط
 آنکه بی نیت آید چون در غیر ظهر و عصر حاضر شوند مجوز است هذا عند الحنفية
 و عند ما في الصلوة كقولها و الا اعتماد على ذلك لا يلام في البحر الرائق
 مسئله فاسد اقتدای مرد بین و نابالغ و طاهر معذور و قاری با می و
 صاحب لیلین بریند و غیر مشیر و منقرض آخر مسئله جایز است اقتدای متوضی

و اما اذا لم يرد فقال في فتح القدير و هو الكحل بعد الفساد الا من شد ولا تمسك كقول الرواية كما هو به ولا في الرواية لتصریحهم بان الفساد في المرأة غير معلوم عرض الشهوة كقول هو كقولك ورضية المقام وليس هذا في الصبي انتهى مسئله زمان بجماعت حاضر شوند مگر عجز که سباجانی مطلقاً اشتباه شد بشرط آنکه بی نیت آید چون در غیر ظهر و عصر حاضر شوند مجوز است هذا عند الحنفية و عند ما في الصلوة كقولها و الا اعتماد على ذلك لا يلام في البحر الرائق مسئله فاسد اقتدای مرد بین و نابالغ و طاهر معذور و قاری با می و صاحب لیلین بریند و غیر مشیر و منقرض آخر مسئله جایز است اقتدای متوضی

و اما اذا لم يرد فقال في فتح القدير و هو الكحل بعد الفساد الا من شد ولا تمسك كقول الرواية كما هو به ولا في الرواية لتصریحهم بان الفساد في المرأة غير معلوم عرض الشهوة كقول هو كقولك ورضية المقام وليس هذا في الصبي انتهى مسئله زمان بجماعت حاضر شوند مگر عجز که سباجانی مطلقاً اشتباه شد بشرط آنکه بی نیت آید چون در غیر ظهر و عصر حاضر شوند مجوز است هذا عند الحنفية و عند ما في الصلوة كقولها و الا اعتماد على ذلك لا يلام في البحر الرائق مسئله فاسد اقتدای مرد بین و نابالغ و طاهر معذور و قاری با می و صاحب لیلین بریند و غیر مشیر و منقرض آخر مسئله جایز است اقتدای متوضی

فقط در این مورد که در این کتاب مذکور است و در سایر کتب معتبره که در این باب نوشته شده است هیچگونه اشاره‌ای به این موضوع نشده است و این امر دلالت بر صحت این روایت دارد.

رواه ابن ماجه والحاكم في الصحيح المستدرک والبيهقي والسنن
ومحوه عن عطاء بن مرسلان واه الشافعي ذكرها الامام الشافعي
والشمائل اما دعای بادشاه اگر عادل است مباحست و اگر ظالم است مکروه
مانند کلام در آنوقت جائز اما صحیح نیست که سکوت واجب در آنوقت نیز لیکن
بسیار آن نکلند که در حکم کلامت مسئله کافیت بحجت ادای فرض خطبه ش
الحمد لله يا سبحان الله الا الله لقد قصده خطبة زيام عظم وقال لا بد من
قدر الشهد الي عبد رسول و شرط پنجم جاغتست وان كسند
امام خواه از او با خواه غلامان خواه مقیم باشند خواه مسافران خواه صحیح باشند
خواه مرصیا خواه قاری باشند خواه آسان خواه گویان با خواه از زبان اطفالان
زمان بجا ریناید و شرط ششم امن عامست تا آنکه در قلعه سید امام بالشکر خود بخواند
جائز نیست اگر در مسجد بنده جویم نیست و من حکم نازعیدت مسکلت جمع
چنین کند و لیکن اسقط فرض الظهر عن ذممتی یا ادع صلوة الجمعة
بعربی یا فارسی یا هندی و در دل بگذارد و زبان استیغاثت یا بیت و قدر کلمه
و شرط هفتم ششم چیزیست اول اقامتست دوم مرد بودنست سوم صحت
نیست چهارم آنرا دیت پنجم سلامتی و چشم ششم سلامتی پای پسین است

در این مورد که در این کتاب مذکور است و در سایر کتب معتبره که در این باب نوشته شده است هیچگونه اشاره‌ای به این موضوع نشده است و این امر دلالت بر صحت این روایت دارد.

در این مورد که در این کتاب مذکور است و در سایر کتب معتبره که در این باب نوشته شده است هیچگونه اشاره‌ای به این موضوع نشده است و این امر دلالت بر صحت این روایت دارد.

مفک اصله

کتابت در این کتاب...
و در این کتاب...
و در این کتاب...

و اختلاف کرده اند و تسبیح و ذکر و قرات بعضی جائز فرموده اند و بعضی منع و نهی
و عنایه سیکوید اول الاصح و اما از بیعی سیکوید الاحوط الا یصا و غیره
سیکوید که محل اختلاف قبل از شروع خطبه اما وقت خطبه پس کلام کرده سخن است
اگر امر معروف باشد که صورت بدی فی الخلاصه و غیرها و قبل که باس
یا کلام اذ اخرج قبل ان یخطب و اذا انزل قبل ان یکبر
لیکن در بجز این از عیون نقل میکنند که مراد از آنجا آن است و اما غیره
فیکره اجماعا مسئله مطالعه کتابت و تصحیح آن جائز است نزد ابو یوسف
و اشاره بدین چشم برای دفع منکر کردن بک ندارد و ذکره فی البحر الرائق و غیره
و است چون در سکوت امام یعنی قبل از شروع تسبیح و ذکر و قرات بروایت
صحیح جائز در میان خطبه که امام می نشیند و عا بطریق اولی جائز خواهد بود
علی الخصوص در احادیث صحیح آمده که ساعة الاستجابة ما بین ان
یحلس الامام فی الخطبة الى ان یقضى الصلوة كما صح فی صحیح
للسا و جزیه الامام للنووی فی شرح اللسلی و قال هو الصلوة
پس باید که در وقت جلوس و در طاهر الروایة مقدار سببیت وارد گمانی بختیست
و بنا اتی فی الدینا حسنة و فی الاخری حسنة و قیاعد اب

و در این کتاب...
و در این کتاب...
و در این کتاب...

است و در این کتاب...
و در این کتاب...
و در این کتاب...

و در این کتاب...
و در این کتاب...
و در این کتاب...

فصل اول غسل

فتاویٰ رضویہ ج ۱۰ ص ۱۲۳

و تاہمت نماز نزد امام عظیم است و فتویٰ براوست قال فی البحر الرائق
 وغیرہ والعسل والفتویٰ علی قولہما فی عامۃ الاصدار
 وکافیۃ الاصدار فصل در بیان قضای فائتہ مسئلہ تیس در بیان
 نوات فرستادام کہ شش نماز فوت نشود پس اگر نمازی فوت شود اگر چه تیز و
 چون یا و اول آن نماز را ادا کند بعد وقتہ او نماید اگر چنین نکند و انا مگر آنکہ
 وقت تنگ باشد یا فراموش شود یا آنکہ نمازهای چند در حد کثرت در آید و آن عبارت
 از شش است بہ ترتیب نماز ہفتم از فرض یا ادا آن شش جائزست بعد از شش نیز اگر
 زارند و اما مسئلہ اگر شش وقتی ادا کرد در حالتی کہ فائتہ یاد او کرد اگر چه در باشد
 فاسد میشود نماز فرض او نسیا و موقوف نزد امام عظیم و نسیا قطعی تر و ضابطہ یعنی اگر
 شش از وقتیات ادا نموده آن فائتہ اعادہ نکند و چہ صحیح شدند بعد فائتہ او نماید
 آنچه قبل از ذکرہ بود اعادہ باید کرد پس موقوف شد نسیا و اعادہ فائتہ این نزد امام
 عظیم است اما تر و ضابطہ فاسد میشود تا شش نماز قطعا اعادہ ہر فرستاد ضابطہ
 بر قول اخیرست بلکہ بعضی فتویٰ نیز داوہ اند اگر چه درین کثر و غیرہ قول امام عظیم است
 نقطہ فصل در بیان وتر سنت مسئلہ وتر واجب است بروایتی از امام عظیم فرض
 و قعل صاحبہ سنت موکدہ است و بہر تقدیر بعد از فوت

کتاب جامع فتاویٰ رضویہ ج ۱۰ ص ۱۲۳
 فصل در بیان قضای فائتہ
 مسئلہ تیس در بیان نوات فرستادام کہ شش نماز فوت نشود پس اگر نمازی فوت شود اگر چه تیز و چون یا و اول آن نماز را ادا کند بعد وقتہ او نماید اگر چنین نکند و انا مگر آنکہ وقت تنگ باشد یا فراموش شود یا آنکہ نمازهای چند در حد کثرت در آید و آن عبارت از شش است بہ ترتیب نماز ہفتم از فرض یا ادا آن شش جائزست بعد از شش نیز اگر زارند و اما مسئلہ اگر شش وقتی ادا کرد در حالتی کہ فائتہ یاد او کرد اگر چه در باشد فاسد میشود نماز فرض او نسیا و موقوف نزد امام عظیم و نسیا قطعی تر و ضابطہ یعنی اگر شش از وقتیات ادا نموده آن فائتہ اعادہ نکند و چہ صحیح شدند بعد فائتہ او نماید آنچه قبل از ذکرہ بود اعادہ باید کرد پس موقوف شد نسیا و اعادہ فائتہ این نزد امام عظیم است اما تر و ضابطہ فاسد میشود تا شش نماز قطعا اعادہ ہر فرستاد ضابطہ بر قول اخیرست بلکہ بعضی فتویٰ نیز داوہ اند اگر چه درین کثر و غیرہ قول امام عظیم است نقطہ فصل در بیان وتر سنت مسئلہ وتر واجب است بروایتی از امام عظیم فرض و قعل صاحبہ سنت موکدہ است و بہر تقدیر بعد از فوت

۱۲۳

کتاب جامع فتاویٰ رضویہ ج ۱۰ ص ۱۲۳
 فصل در بیان قضای فائتہ
 مسئلہ تیس در بیان نوات فرستادام کہ شش نماز فوت نشود پس اگر نمازی فوت شود اگر چه تیز و چون یا و اول آن نماز را ادا کند بعد وقتہ او نماید اگر چنین نکند و انا مگر آنکہ وقت تنگ باشد یا فراموش شود یا آنکہ نمازهای چند در حد کثرت در آید و آن عبارت از شش است بہ ترتیب نماز ہفتم از فرض یا ادا آن شش جائزست بعد از شش نیز اگر زارند و اما مسئلہ اگر شش وقتی ادا کرد در حالتی کہ فائتہ یاد او کرد اگر چه در باشد فاسد میشود نماز فرض او نسیا و موقوف نزد امام عظیم و نسیا قطعی تر و ضابطہ یعنی اگر شش از وقتیات ادا نموده آن فائتہ اعادہ نکند و چہ صحیح شدند بعد فائتہ او نماید آنچه قبل از ذکرہ بود اعادہ باید کرد پس موقوف شد نسیا و اعادہ فائتہ این نزد امام عظیم است اما تر و ضابطہ فاسد میشود تا شش نماز قطعا اعادہ ہر فرستاد ضابطہ بر قول اخیرست بلکہ بعضی فتویٰ نیز داوہ اند اگر چه درین کثر و غیرہ قول امام عظیم است نقطہ فصل در بیان وتر سنت مسئلہ وتر واجب است بروایتی از امام عظیم فرض و قعل صاحبہ سنت موکدہ است و بہر تقدیر بعد از فوت

و اگر در مسجد بیاید و سنت بخواند آن کرده است و دیده که امام شروع در فرض کرد و اگر بداند که یک کعبه همراه امام خواهد یافت سنت او نماید و اگر نه داخل فرض شود این بدست جمعیست و بعضی بر آنند که اگر در تشهد یا امام شریک تواند شد او ای سنت نماید صاحب بدائع و غیره ترجیح او ای نموده اند و در کافی و محیط ترجیح ثانی نموده است و ذکره فی البحر الرائق و بر تقدیر ترک بعد از بر آمدن آفتاب و انما یزود امام محمد و حاکم قضایا نزد امام اعظم لیکن بهتر نیست که بر نزد امام محمد عمل نماید و آنچه جید گفته اند که شروع کند و سنت بعده تحریم نیست فرض گوید و بعد از سلام امام تصاکذ سنت را بهمان تحریمه آنرا در بحر الرائق کرده گفته است بوجه کثیره در بیاد اوقات کرده مسئله اگر چه فرض سنت فخر ترک شده قضا نماید تا دو پیم بعد نکند و بعضی محققان بر آنند که قضا در فرض کند قال صدر الشریعہ فی شرح الوقایح اختصار قضاء السنۃ بتبعیۃ الفرض بکونی قبل الزوال لا معنی لایستھی لکن فی اربعۃ الزوال یدخل وقت الظهور فلا ینبغی ان ینقض السنۃ فیہ لانها تصیر ما تلاً للقرض مع انه صلا الله علیه و سلم انما قضاها قبل الزوال فقط حين فائتة الفحولة التعریس كما ثبت في الاحادیث مسئله

و اگر در مسجد بیاید و سنت بخواند آن کرده است و دیده که امام شروع در فرض کرد و اگر بداند که یک کعبه همراه امام خواهد یافت سنت او نماید و اگر نه داخل فرض شود این بدست جمعیست و بعضی بر آنند که اگر در تشهد یا امام شریک تواند شد او ای سنت نماید صاحب بدائع و غیره ترجیح او ای نموده اند و در کافی و محیط ترجیح ثانی نموده است و ذکره فی البحر الرائق و بر تقدیر ترک بعد از بر آمدن آفتاب و انما یزود امام محمد و حاکم قضایا نزد امام اعظم لیکن بهتر نیست که بر نزد امام محمد عمل نماید و آنچه جید گفته اند که شروع کند و سنت بعده تحریم نیست فرض گوید و بعد از سلام امام تصاکذ سنت را بهمان تحریمه آنرا در بحر الرائق کرده گفته است بوجه کثیره در بیاد اوقات کرده مسئله اگر چه فرض سنت فخر ترک شده قضا نماید تا دو پیم بعد نکند و بعضی محققان بر آنند که قضا در فرض کند قال صدر الشریعہ فی شرح الوقایح اختصار قضاء السنۃ بتبعیۃ الفرض بکونی قبل الزوال لا معنی لایستھی لکن فی اربعۃ الزوال یدخل وقت الظهور فلا ینبغی ان ینقض السنۃ فیہ لانها تصیر ما تلاً للقرض مع انه صلا الله علیه و سلم انما قضاها قبل الزوال فقط حين فائتة الفحولة التعریس كما ثبت في الاحادیث مسئله

و اگر در مسجد بیاید و سنت بخواند آن کرده است و دیده که امام شروع در فرض کرد و اگر بداند که یک کعبه همراه امام خواهد یافت سنت او نماید و اگر نه داخل فرض شود این بدست جمعیست و بعضی بر آنند که اگر در تشهد یا امام شریک تواند شد او ای سنت نماید صاحب بدائع و غیره ترجیح او ای نموده اند و در کافی و محیط ترجیح ثانی نموده است و ذکره فی البحر الرائق و بر تقدیر ترک بعد از بر آمدن آفتاب و انما یزود امام محمد و حاکم قضایا نزد امام اعظم لیکن بهتر نیست که بر نزد امام محمد عمل نماید و آنچه جید گفته اند که شروع کند و سنت بعده تحریم نیست فرض گوید و بعد از سلام امام تصاکذ سنت را بهمان تحریمه آنرا در بحر الرائق کرده گفته است بوجه کثیره در بیاد اوقات کرده مسئله اگر چه فرض سنت فخر ترک شده قضا نماید تا دو پیم بعد نکند و بعضی محققان بر آنند که قضا در فرض کند قال صدر الشریعہ فی شرح الوقایح اختصار قضاء السنۃ بتبعیۃ الفرض بکونی قبل الزوال لا معنی لایستھی لکن فی اربعۄ الزوال یدخل وقت الظهور فلا ینبغی ان ینقض السنۃ فیہ لانها تصیر ما تلاً للقرض مع انه صلا الله علیه و سلم انما قضاها قبل الزوال فقط حين فائتة الفحولة التعریس كما ثبت في الاحادیث مسئله

و اگر در مسجد بیاید و سنت بخواند آن کرده است و دیده که امام شروع در فرض کرد و اگر بداند که یک کعبه همراه امام خواهد یافت سنت او نماید و اگر نه داخل فرض شود این بدست جمعیست و بعضی بر آنند که اگر در تشهد یا امام شریک تواند شد او ای سنت نماید صاحب بدائع و غیره ترجیح او ای نموده اند و در کافی و محیط ترجیح ثانی نموده است و ذکره فی البحر الرائق و بر تقدیر ترک بعد از بر آمدن آفتاب و انما یزود امام محمد و حاکم قضایا نزد امام اعظم لیکن بهتر نیست که بر نزد امام محمد عمل نماید و آنچه جید گفته اند که شروع کند و سنت بعده تحریم نیست فرض گوید و بعد از سلام امام تصاکذ سنت را بهمان تحریمه آنرا در بحر الرائق کرده گفته است بوجه کثیره در بیاد اوقات کرده مسئله اگر چه فرض سنت فخر ترک شده قضا نماید تا دو پیم بعد نکند و بعضی محققان بر آنند که قضا در فرض کند قال صدر الشریعہ فی شرح الوقایح اختصار قضاء السنۃ بتبعیۃ الفرض بکونی قبل الزوال لا معنی لایستھی لکن فی اربعۄ الزوال یدخل وقت الظهور فلا ینبغی ان ینقض السنۃ فیہ لانها تصیر ما تلاً للقرض مع انه صلا الله علیه و سلم انما قضاها قبل الزوال فقط حين فائتة الفحولة التعریس كما ثبت في الاحادیث مسئله

در این کتاب که در اکثر کتب مذکور است امام ابو یوسف بقول موافق امام محمد است
 شیخ ابن بام روایت تقدیم که در اختیار نمود صاحب بحر افق مسلم و در حدیث نیز
 واروست لیکن اصحاب متون اختیار تقدیم ربع نموده اند مسئله اگر وقت ناکند
 اول را نموده در فرض شروع کند اگر آسن از فوت باشد فرض شارع گردد مسئله
 اگر پیش از امام رکوع کرد و امام با و در رکوع جمع شد نماز صحیح با اگر چه ترک متابعت اثم
 گردد **فصل فی صلوة المریض** مسئله اگر مریض استادن تواند و یا قیام
 خوف زیادت مریض باشد نشسته با رکوع و سجود نماز بگزارد و اگر از ادای این هر دو نیز
 عاجز باشد با اشاره بگزارد و برای سجده فرود تر از رکوع اشارت کند مسئله
 اگر تواند نشست بر پایی یا بر سلو خفته اشارت کند و اگر طاقت اشارت ندارد تاخیر
 کند و چشم عدل اشاره کند خلافاً لزم مسئله اگر بر قیام قدرت وارد و بر رکوع
 وجود قادر باشد نشسته با اشاره بگزارد مسئله اگر در میان نماز مریض حادث شد
 بیرون رود که تواند نماز تمام سازد و همچنین در عین نماز قادر شود یا رکوع ادانیا
 مسئله نماز نقل تخیر جایز است مسئله در کشتی بیخیز نشسته اگر درون جایز است
 از جهت آنکه احتمال گشتن دارد لیکن بجا بگذرد تمام نماز رعایت کند و نکرده مسئله
 اگر در پیشوی یا در او انگی تلویح نماز ترک کند قضا و شعبه و اگر نیاورد از پنج با ساقط گردد

در این کتاب که در اکثر کتب مذکور است امام ابو یوسف بقول موافق امام محمد است
 شیخ ابن بام روایت تقدیم که در اختیار نمود صاحب بحر افق مسلم و در حدیث نیز
 واروست لیکن اصحاب متون اختیار تقدیم ربع نموده اند مسئله اگر وقت ناکند
 اول را نموده در فرض شروع کند اگر آسن از فوت باشد فرض شارع گردد مسئله
 اگر پیش از امام رکوع کرد و امام با و در رکوع جمع شد نماز صحیح با اگر چه ترک متابعت اثم
 گردد **فصل فی صلوة المریض** مسئله اگر مریض استادن تواند و یا قیام
 خوف زیادت مریض باشد نشسته با رکوع و سجود نماز بگزارد و اگر از ادای این هر دو نیز
 عاجز باشد با اشاره بگزارد و برای سجده فرود تر از رکوع اشارت کند مسئله
 اگر تواند نشست بر پایی یا بر سلو خفته اشارت کند و اگر طاقت اشارت ندارد تاخیر
 کند و چشم عدل اشاره کند خلافاً لزم مسئله اگر بر قیام قدرت وارد و بر رکوع
 وجود قادر باشد نشسته با اشاره بگزارد مسئله اگر در میان نماز مریض حادث شد
 بیرون رود که تواند نماز تمام سازد و همچنین در عین نماز قادر شود یا رکوع ادانیا
 مسئله نماز نقل تخیر جایز است مسئله در کشتی بیخیز نشسته اگر درون جایز است
 از جهت آنکه احتمال گشتن دارد لیکن بجا بگذرد تمام نماز رعایت کند و نکرده مسئله
 اگر در پیشوی یا در او انگی تلویح نماز ترک کند قضا و شعبه و اگر نیاورد از پنج با ساقط گردد

در این کتاب که در اکثر کتب مذکور است امام ابو یوسف بقول موافق امام محمد است
 شیخ ابن بام روایت تقدیم که در اختیار نمود صاحب بحر افق مسلم و در حدیث نیز
 واروست لیکن اصحاب متون اختیار تقدیم ربع نموده اند مسئله اگر وقت ناکند
 اول را نموده در فرض شروع کند اگر آسن از فوت باشد فرض شارع گردد مسئله
 اگر پیش از امام رکوع کرد و امام با و در رکوع جمع شد نماز صحیح با اگر چه ترک متابعت اثم
 گردد **فصل فی صلوة المریض** مسئله اگر مریض استادن تواند و یا قیام
 خوف زیادت مریض باشد نشسته با رکوع و سجود نماز بگزارد و اگر از ادای این هر دو نیز
 عاجز باشد با اشاره بگزارد و برای سجده فرود تر از رکوع اشارت کند مسئله
 اگر تواند نشست بر پایی یا بر سلو خفته اشارت کند و اگر طاقت اشارت ندارد تاخیر
 کند و چشم عدل اشاره کند خلافاً لزم مسئله اگر بر قیام قدرت وارد و بر رکوع
 وجود قادر باشد نشسته با اشاره بگزارد مسئله اگر در میان نماز مریض حادث شد
 بیرون رود که تواند نماز تمام سازد و همچنین در عین نماز قادر شود یا رکوع ادانیا
 مسئله نماز نقل تخیر جایز است مسئله در کشتی بیخیز نشسته اگر درون جایز است
 از جهت آنکه احتمال گشتن دارد لیکن بجا بگذرد تمام نماز رعایت کند و نکرده مسئله
 اگر در پیشوی یا در او انگی تلویح نماز ترک کند قضا و شعبه و اگر نیاورد از پنج با ساقط گردد

مفتاح الصلاة

اسم و فرستادند نیت مسئله اگر کسی در نماز نام خدا تعالی شنید گفت بن جانان
 تاه شود مسئله اگر شخصی بجا آورد و مؤذن نذکر و تکبیر گوید در آن زمان امام کوع
 کرد و مؤذن گفت بقصد جواب او نماز مؤذن فاسد شود اگر در وقت ختم قرآن در عین
 نماز صدق الله و صدق رسوله گوید یا در وقت سماع شهادتین گوید
 نماز فاسد شود اگر قصد جواب او در تمام گفتن وقت و عاقبت جواب مسئله
 مصطلح و او شخصی دیگر است مصطلح گفت آیین نماز شکست و این اقلیم تیر
 اگر در کس نماز میکرد و یکی عطسه داد شخصی خارج بر چک شد گفت هر دو این گفته نماز
 فاسد است نماز این شخص دیگر کذا فی الجواب الا انک ممکن است که آن شخص
 دیگر نیز عیب اخلاص بقصد جواب گفته باشد مگر گفته شود که بجز در احتمال نماز فساد
 حکم کرده نشد الا انک تحقیق شود و الله اعلم و هم فتم کردن بر غیر امام و اگر بر امام خود فتم
 کند اگر مقدار فرض خوانده است فتم ضرر و اگر خوانده یا انتقال یا بدو دیگر کرده است
 درین اختلاف شاکست صحیح است که نماز نمیشکند اصلان فاسد را و نه امام را
 و بعد از هر مانی الکافی و غیره مسئله اگر مؤتم شنید از کسی در نماز نبودن بگردد پس فتم
 کرد بر امام خود نماز همه میشکند و کرده فی القصد مسئله باید که امام بعد از مقدمه و
 در و این بعد از استحباب کند و در او از فتم بر غیر امام است که قصد کنیم که نماز قصد

در وقت نماز اگر کسی در نماز نام خدا تعالی شنید گفت بن جانان تاه شود مسئله اگر شخصی بجا آورد و مؤذن نذکر و تکبیر گوید در آن زمان امام کوع کرد و مؤذن گفت بقصد جواب او نماز مؤذن فاسد شود اگر در وقت ختم قرآن در عین نماز صدق الله و صدق رسوله گوید یا در وقت سماع شهادتین گوید نماز فاسد شود اگر قصد جواب او در تمام گفتن وقت و عاقبت جواب مسئله مصطلح و او شخصی دیگر است مصطلح گفت آیین نماز شکست و این اقلیم تیر اگر در کس نماز میکرد و یکی عطسه داد شخصی خارج بر چک شد گفت هر دو این گفته نماز فاسد است نماز این شخص دیگر کذا فی الجواب الا انک ممکن است که آن شخص دیگر نیز عیب اخلاص بقصد جواب گفته باشد مگر گفته شود که بجز در احتمال نماز فساد حکم کرده نشد الا انک تحقیق شود و الله اعلم و هم فتم کردن بر غیر امام و اگر بر امام خود فتم کند اگر مقدار فرض خوانده است فتم ضرر و اگر خوانده یا انتقال یا بدو دیگر کرده است درین اختلاف شاکست صحیح است که نماز نمیشکند اصلان فاسد را و نه امام را و بعد از هر مانی الکافی و غیره مسئله اگر مؤتم شنید از کسی در نماز نبودن بگردد پس فتم کرد بر امام خود نماز همه میشکند و کرده فی القصد مسئله باید که امام بعد از مقدمه و در و این بعد از استحباب کند و در او از فتم بر غیر امام است که قصد کنیم که نماز قصد

در این کتاب که در بیان فضیلت و مناقب ائمه است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است

و فی الحقیقت این سئله عامست چنانکه در بجزرائق گفته که بعد از حدیث مذکور چنانکه
 منصرف گردد و اگر توقف کرد مقدار ادوی کفی بغیر عذر نماز فاسد گردد و قسم
 سفید فعلی است و آن یا حدیث است چنانکه در نماز خواب مد و سلام شد و یا تفکر
 منی برآمد یا حدیث عمدا قبل از تکمیل است که در بیان فعلی صلی خون برآمدن هر چهار حد
 سفید نماز است و اما حدیثی که بی اختیار پیدا شود چنانکه قی پری دهن و روان
 شدن خون از بینی و روان شدن خون ریش و برآمدن نمدی یا قطره میل از
 نوکریا با و از دبر و این مجموع سبب نقص وضو است و نماز بر حال است باید که وضو کرده
 از جای که گذشته است لا محاله یعنی بی قرأت قرآن شروع کند اگر متعذرت است
 و بعد از آن طمأنینه با نام کرد و اگر اصرار اقتضا کند ترک واجب شود و اتم کرد و ذکره
 فی الجواز ائین و باید که سبب وضو چیزی دیگر عمل نکند و از سر گرفتن فضیلت از هر
 آنکه تبار و او از ده شرط است چنانکه در بجزرائق مذکور است بجا آوردن اشکال
 تمام دار و الله اعلم و یا غیر حدیث چنانکه در تعلیم قرآن در صین نماز از
 مصحف کرد بعضی بجز و تعلم حکم نفسا کرده اند و بعضی به برداشتن مصحف
 اوراق کردند این حکم نفسا کرده اند لیکن در کافی اول صحیح گفته است
 بر تقدیر ثانی اگر مصحف موضوع باشد و تقلیب اوراق دیگر کند

در این کتاب که در بیان فضیلت و مناقب ائمه است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است

در این کتاب که در بیان فضیلت و مناقب ائمه است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است و در بیان احوال و عیال آن بزرگواران است

مفتاح الصلوة

پوشد نماز فاسد گردد و جز این مفسدهات در کتب مبسوطه
مفصلاً تفصیلاً یافته آنچه کثیر الوقوع دین شد بران
اکتفا نموده بمفتاح الصلوة تمام ساخت و این رساله
بجیت شیخ احمد بن سلیمان که یکی از خواهر زادگان این
فقیر است بواسطه صلوة الرحمه تالیف نموده شد امید است که همتانی
ان محب را و جمیع فرزندان و دوستان و مخلصان و درویشان را
توفیق عمل و اوده بطلب اعلی رساند بمنه و کرمه آمین بسیارانه
سائل درین رساله بجیت اختصار ترک نموده شد اینقدر بجیت
عمل کافیست و اللهم فوق و اعمین الوافی قال المؤلف تم مفتاح الصلوة
بید مؤلف سنه احدی و ستین بعد الالف من الهجرة النبویه علی صاحبها
افضل التحیاتی صلوات الله علیهم و علی آله و سلم و علی اهل بیته و علی من
اولاد خیر او الصلوة علی رسوله باطناً و ظاهراً و علی صحبه
و من علی علمهم غائباً و حاضر آمین یا رب العالمین

و

بعد از خداوند موجود جباه صلوة و سلام بر حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم
 و آل و الاوستگاه و اصحاب بن پناه بنده سید کارزانی محمد با و علی که نامه
 گناہش بکلی آفرزش خط کشیده و جریدہ عصیانش بآب مغفرت شوییده باو
 بر طالع علوم دین و سالکان مناجاتین عالی میکند که این کتاب برکت نصبا
 طایفه روایات معتبر و باب نماز بکثرت جزئیات مسائل بحلیل و انبار گنجینه
 است کائنات یعنی **مفتاح الصلوة** تصنیف بر مشریت نبوی شمع راه
 است خفی مقتدای هر نزدیک دور طالع فتح محمد متوطن بر بان پور جزایه اللہ
 خیر الخیر او جعل مطمح عین الرضا پیش این معراج طبع رسیده بود و کشف
 سرازیر حل غوامض چنانکه باید نمی نمود و لہذا اورینولا با یا رب بر جاوہ قوم پر
 صراط مستقیم حاجی حسین شریعتی مولوی محمد حسین اولی باسکان خود تصحیح
 متنش نمود پس از آن نواید بسیار از کتب معتد بر آن افزودم و بر در مختار
 وال و طراز ططاوی و حاشیہ نیست و مع تلا عالمگیری و غیر از انماش
 نشانت بعضی حاشی که از رفروض صراحت نام کتاب خالیست بیشتر ہم از
 در مختار و ططاویست و از معتدات روزگار موجب مزید اعتبار آنکه بعد تحشید از
 نظر فیض اثر جناب فادت آفتاب آفتاب اوج تحقیق نور خورشید توفیق امام

دست و پند ز نیکو در نیکو
 حکمت و نصیحت است از او
 سحر و جادو و کجاست و با صلح
 و تقاضای تیرت تا آنکه بگویند
 و سحر و جادو و کجاست و با صلح
 و تقاضای تیرت تا آنکه بگویند
 و سحر و جادو و کجاست و با صلح
 و تقاضای تیرت تا آنکه بگویند